



صفحه ۴
ضمیمه
رایگان



روزنامه صبح ایران ■ سال بیست و چهارم ■ شنبه ۶ دی ۱۳۹۹ ■ Dec 26 - 2020 ■ ۱۱ جمادی الاول ۱۴۴۲ ■ شماره ۶۶۵۹

یک امتیاز پر سپولسی از باتلاق قائمشهر شروع روزهای سخت فینالیست آسیا

نمره قبولی پرسپولیس در زمین باتلاقی قائم شهر
۱۱ موقعیت گل در یک نیمه



نساجی یک - پرسپولیس یک
ماشین سازی صفر - نفت مسجد سلیمان یک
ذوب آهن یک - گل گهرسیرجان یک
صنعت نفت آبادان ۲ - تراکتوریک

خوشحال باشید غرق نشدید!

جدال در شالیزار!

در خلق موقعیت مشکل داشتند و اتفاقاً با اولین حمله حریف گل خوردند. آنها همین معضل را در چمن مخملی آزادی هم داشتند، در قطر هم داشتند، بار رفتن بشارسن به نظر می رسد یحیی باید به فکر یک بازیکن فانتزی باز پشت سر مهاجمان باشد. کسی که هم موقعیت بسازد و هم در لحظات حساس خودش در بسته را باز کند. همان کاری که مهدی ترابی می کرد و با رفتنش کمر تیم شکست. جدایی برشارسن این مشکل را مضاعف کرده است و احسان پهلوان هم به کناره ها تمایل دارد، درست مثل وحید امیری که اگر چه تکنیک لازم برای بازی جلوی احمد نوراللهی و سرلیک را دارد اما توپ را می گیرد ناخودآگاه به سمت گوشه ها حرکت می کند. شاید سعید حسین پور بتواند در نقشی متفاوت ظاهر شود. چیزی شبیه یک گره گشایا در بارکن. هافبک جوان و خوش تکنیکی که احتمالاً یحیی کم کم به او میدان بیشتری بدهد.

قهرمانان هم ۸ بار صاحب کرنر شدند اما حتی یک ضربه خطرناک به سمت دروازه حریف نزدند. روی گل نساجی معلوم نشد چرا مجتبی بیژن بارگیری نشد و در نفوذ از کناره ها مدافعان پرسپولیس باج می دهند. مهدی شیرز برای تیم یک تهدید است و امید عالیشاه سرگردان و بی اثر بازی می کنند... کسانی هم البته دست به نقد یحیی گل محمدی زده اند که اصرار دارد به همان شیوه ای که توانست به نفت مسجدسلیمان و اوسان گل بزند با همان سبک مقابل نساجی ایستاد. ارسال توپ های بلند و کج و کوله از سوی هافبک هایی که هر چه بلد باشند ساتر کردن بلد نیستند. نصفانه نیست این دیدار را از منظر فنی نقد کرد. در زمینی که بازیکن باید دنبال یک وجب چمن خشک بگردد و مواظب باشد پایش با شلاق فرو نرود حرف زدن از موضوعات فنی شاید سختگیرانه باشد. قرمزها در سی دقیقه نخست مالک زمین بودند اما باز هم

پس نکشید، روی زمین، هوا و شوت از دروازه بخت را آزمایش کرد. بدشانس بود که تیر دروازه مانع از گل دوم آنها شد. بازیکنان با اشتیاق ولع بازی کردند. تیمی که چهار بار قهرمان لیگ داخلی شده و دو بار در فینال لیگ قهرمانان حاضر شده قاعدتاً باید کمی اشتیاع شده باشد اما زیرباران شدید و در استخر، قرمزها با تمام وجود جنگیدند و تا آخرین ثانیه یورش بردند. صحنه ای که سیدجلال خودش را با صورت جلوی شوت بازیکن نساجی پرتاب کرد را مرور کنید. آنها در لیگ ایران شکست ناپذیرند و کسب یک امتیاز در این شرایط روحی و جوی نمایشی قهرمانانه بود.

نیمه خالی اما به فقدان تمام کنندگی در این تیم اشاره می کند. اینکه مهدی عبدی کماکان دارد در لیگ فرصت سوزی می کند. او تا همین امروز دست کم هفت موقعیت مسلم را از دست داده است. تیم از کرنرها و ضربات کاشته استفاده نمی کند. آنها در فینال لیگ

«مهم این است که یک امتیاز گرفتیم و نیاختیم» یا «دو امتیاز حساس از دست دادیم که آخر فصل افسوسش را می خوریم» دو نوع نگاه به بازی پرسپولیس و نساجی است. چیزی مثل همان کلیشه نیمه پر و نیمه خالی لیوان. پرسپولیس بعد از شکست دردناک در فینال لیگ قهرمانان آسیا به لیگ برگشت. با استراحتی اندک بعد از فشاری خردکننده. آن هم در زمینی که پیشتر به شالیزار و استخر شبیه بود تا چمن! از این منظر قرمزها باید خوشحال باشند که مصدوم ندادند یا کسی غرق نشد. نیمه پر لیوان می گوید تیم در این زمین فاجعه هم عالی بازی کرد. هشت موقعیت ساخت، وقتی در زمین حریف عقب بود یا



نگاه احسان محمدی

لستر - منچستریونایتد ساعت ۱۶:۰۰
نوبت انتقام گیری روباه ها
آرسنال - چلسی ساعت ۲۱:۰۰
توپچی ها در آستانه ویرانی

آشفته بازار لیگ برتر کشتی؛ اتهام بزدانی، افشاکری دبیر

رضا یزدانی: بازار بزرگ را
فدراسیون قهرمان کرد

دبیر: استقلال یهاپافشاری کنند، آنها را به دادگاه می کشانم

صنعت نفت آبادان ۲ - تراکتوریک

تصویری بدون رتوش از یک لیگ ظاهرأ حرفه ای

سر مقاله
آرمن ساروخانیان ۷۷۹۱@armen7791

در کلیپ هایی که در هفته های گذشته با هدف کسب میزبانی جام ملت های آسیا منتشر شد، فدراسیون فوتبال تلاش کرده تصویری آرمانی از امکانات و زیرساخت های ورزشگاه های ایران ارائه دهد. ولی آنچه دیروز در ورزشگاه وطنی قلمشهر دیدیم، تصویر واقعی تری از این امکانات یا به عبارت دقیق تر عدم امکانات است. آذربایجان پیش از شروع بازی در بخش های زیادی از چمن مصنوعی ورزشگاه جمع شده بود و حتی یک دروازه بان پرسپولیس مجبور شد برای آماده کردن محوطه جلوی دروازه اش خودش دست به کار شود و با تپ آب را از زمین خارج کند. در ورزشگاه قلمشهر هم مثل تعداد زیادی از ورزشگاه های دواستان سرسبز گیلان و مازندران چند سالی است که برای کاهش هزینه نگهداری چمن مصنوعی نصب شده، ولی این مدل چمن هم عمر مفید دارد و استفاده طولانی آن را مستهلک و غیرقابل استفاده می کند. این ورزشگاه زیرسازی مناسبی هم ندارد و در روزهایی که بارندگی شدید باشد، این روی زمین جمع می شود. بازی دیروز هم در شرایطی برگزار شد که در زمین چاله های آب زیادی دیده می شد و در این قسمت امکان حرکت عادی توپ وجود نداشت.

تأسیس ورزشگاه وطنی به سال ۱۳۲۰ برمی گردد و باشگاه نساجی قلمشهر از زمان تأسیس اش در سال ۱۳۳۸ در این ورزشگاه بازی می کند. این ورزشگاه با تکنولوژی قدیمی ساخته شده و بعداً ظر فیتش تا ۱۵ هزار نفر افزایش یافته، ولی با استاندارد برگزاری مسابقات فوتبال در آستانه شروع قرن جدید فاصله زیادی دارد و ظرفیت پاسخگوی استقبال این روزهای هواداران نساجی نیست. سال گذشته وزارت ورزش دستور بازسازی این ورزشگاه را داد و بر اساس آن رختکن بازنشسته شده و قرار است سکوهای جدیدی ساخته شود، ولی مشخص نیست ترمیم چمن این ورزشگاه را چه کسی باید به عهده بگیرد؟

به مالک نساجی که از معدود مخاطبان غرضه شد. پیشنهاد شده که چمن وطنی را نوسازی کند، ولی مالکیت این ورزشگاه با وزارت ورزش است و این سؤال بوجود می آید که هزینه این چمن جدید را چه کسی باید پرداخت کند؟ این تنها دروازه باشگاه های خصوصی صدق نمی کند و موضوع هزینه ساخت یا نگهداری ورزشگاه های دیگر تیم های لیگ برتر هم محل ابهام است. چند سال قبل، وقتی ورزشگاه نقش جهان اصفهان در فاز توسعه متوقف شد و بلافاصله بود به یکی از مدیران سپاهان پیشنهاد شد که باشگاه با توجه به پنبه مالی اش ورزشگاهی خصوصی بسازد، ولی او معتقد بود که این مسئولیت به عهده شهرداری یا نهاد های دولتی است. این تفکر در بین اکثر مدیران فوتبال وجود دارد و در لیگ برتر فقط باشگاه های متمدنی مثل فولاد خوزستان، گل گهر سیرجان و مس رفسنجان سراغ ساخت ورزشگاه خصوصی رفته اند. هزینه نگهداری و تجهیز ورزشگاه ها تنها یکی از پیچیدگی های اقتصاد گره خورده فوتبال ایران است. باشگاه های ایرانی بر خلاف باشگاه های حرفه ای معمول نه راه های دروازائی تعریف شده ای دارند، نه بودجه ای برای توسعه زیرساخت ها تعریف می شود. مشخص نیست تبلیغات، بلیت فروشی یا بخش تلویزیونی چه سهمی در بودجه باشگاه دارد و بدون کمک های ارگان های مختلف ادامه حیات آنها تقریباً غیرممکن است. پولی که به باشگاه می رسد عموماً صرف پرداخت دستمزد هابا بد های حامی شود و تجهیز ورزشگاه و ترمیم و رژه ش چمن اولویت آخر است.

پس راه چاره چیست؟ این سبکل معیوب کجا متوقف می شود؟ مشکلات مالی اکثر تیم های لیگ برتر را می دانیم، ولی سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال هم در این باره مسئولیت مشخصی دارند و برای جلوگیری از افت کیفیت مسابقات هر وقت که لازم است باید وارد عمل شوند. با تأکید کنفدراسیون فوتبال آسیا، باشگاه ها تحت شرایط خاصی می توانند در لیگ برتر حاضر شوند. پرداخت بدهی های قبلی و داشتن ورزشگاه استاندارد از دیدیهات است و این پیش شرط های هدف قبلا رفتن کیفیت مسابقات در نظر گرفته شده است. ولی باقی تفاوتی سازمان لیگ این شروط اولیه هیچ وقت جدی گرفته نشده تا لیگ حرفه ای بعد از گذشت بیست دوره هنوز گرفتار چنین موضوعات پیش پا افتاده ای باشد. اعلامی مجوز حرفه ای که شرط حضور در لیگ برتر است در اختیار سازمان لیگ قرار داده شده و آنها می توانند جلوی حضور یک تیم در لیگ برتر را بگیرند یا در صورت استاندارد نبودن ورزشگاه، آنها را مجبور به بازی در ورزشگاه دیگری کنند.

این سختگیری ها باشگاه های لیگ برتری را ملزم می کند که سراغ تأمین حداقل ها از جمله چمن باکیفیت بروند. با چشم پوشی از این مشکلات، ممکن است مسابقات به هر طریقی برگزار و جدول بازی ها پر شود، ولی دیگر نمی توان اسم آن را لیگ حرفه ای گذاشت.

همدلی عجیب سازمان لیگ و صدا و سیما

مسابقات ورزشی سر بازی می زند و حقوق باشگاه ها را علنی و واضح زیر پا می گذارد، حالا خود را مطالبه کننده حقوق تماشاگران جامی می زند و منتقد باشگاهی است که نخواسته بازی اش از تلویزیون پخش شود. عجیب است که احمدی به عنوان یک مجری و گزارشگر ورزشی به پدیدتای در این مدل قدیمی فوتبال توجه ندارد و فقط می خواهد از موضع رسمی رسانه اش اظهار نظر کند و همزمان با کلیدوازه مردم، همواره خود را طرف مردم جلوه می دهد. در روز فینال لیگ قهرمانان آسیا نیز محمد رضا احمدی همین نقش را بازی کرد و با طرح اتهامات علیه کنفدراسیون فوتبال آسیا حق را به رسانه خودش می داد که در پرداخت نکردن حقوق ورزش شهره است.

کوشش احمدی البته به تغییر برداشت مخاطب کمکی نمی کند و او هر بار فقط خود را خسته می کند و وقت خودش را می گیرد. احمدی در روز بازی پرسپولیس - اوسان اصرار داشت که از موضع رسانه اش دفاع کند. او این کار را ناشیانه هم انجام می دهد و بیشتر به باور ناپذیری بودن ادعاها کمک می کند و از این منظر شاید کار مفیدی انجام می دهد، بدون آنکه خودش بخواهد. مثل دیروز که در گفت و گو با سهیل مهدی از سازمان لیگ همدل شده بودند تا تصمیم باشگاه ماشین سازی را غیر منطقی جلوه دهند و عجباً که سهیل مهدی از نهادهای که باید سخت ترین کارها را برای دریافت حقوق فوتبال از صدا و سیما انجام دهد، مشغول تأیید موضع صدا و سیما بود. طنز آمیز است که باشگاه ها سال ها است منتظرند فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ پیگیر حقوق شان از صدا و سیما باشند.

یادداشت
فرشاد کاس نژاد @farshadcasnejad



راه ندادن دوربین های صدا و سیما به ورزشگاه تصمیم تازه ای نیست. بارها باشگاه ها دعا کرده اند که در مقابل انحصار تلویزیون و پرداخت نکردن حق پخش تلویزیونی، دوربین ها را به ورزشگاه ها راه ندهد اما همیشه قدرت اجرای این ادعا وجود ندارد و تمام ادعاها باشگاه ها در حد حرف باقی می ماند و مدیران به دلیل گرایش به چند دقیقه مصاحبه در تلویزیون و ساختار دولتی باشگاه ها کمی بیشتر از این ادعاها برنداشته اند. این بار اما مالک مشترک دو باشگاه تراکتور و ماشین سازی با قدرتی که ناشی از تمول است، توانست این تصمیم را اجرائی کند و دوربین های صدا و سیما را در بازی ماشین سازی - نفت مسجد سلیمان به ورزشگاه راه نهد. البته اعتراض نه به پرداخت نشدن حق پخش تلویزیونی، بلکه به دلیل مصاحبه علیرضا منصوریان، سرمربی برکنار شده باشگاه این نیز مثال دیگری برای اثبات مالکیت مشترک بر باشگاه هاست. از تراکتور و ماشین تا مالکیت مشترک استقلال و پرسپولیس. فارغ از این حرف ها آنچه حیرت آور است، برخورد دیروز مجری برنامه فوتبال برتر با این تصمیم باشگاه ماشین سازی است. محمد رضا احمدی طلبکارانه انتقاد می کرد که چرا باشگاه ماشین سازی در ورزشگاه اختصاصی خود ورود دوربین ها به ورزشگاه را ممنوع کرده است. صدا و سیما می که از پرداخت حق پخش



همین مشکل را دارد) فوتبال های خارجی با کیفیت بالا از روی ماهواره دریافت می شد اما بعد از کنسورت شدن به حالت سی دی، با پایین ترین کیفیت دست مخاطبان می رسید. جالب اینجاست که اینگونه تصاویر روی تلویزیون های قدیمی و حتی لامپی کیفیت بهتری دارد و این تلویزیون ها با توجه به داشتن پیکسل های موایل های رده پایین ضبط شده اند. در واقع امروزه حتی تصاویر دوربین های موبایل گرانتقیمت هم تصاویر بهتری از بسیاری از دوربین های صدا و سیما دارند و این مشکل تا پیش از این در شبکه ورزش هم مطرح علی رغم دریافت تصویر اچ دی، کیفیتی به مراتب پایین تر از ۱۰ سال قبل دریافت کند. این مشکل تا پیش از این در شبکه ورزش هم مطرح بود (هنوز هم تصاویر SD شبکه ورزش وجود داشت، هنوز هم تصاویر SD شبکه ورزش

سوزه
شهاب اخلاقی

همین چند هفته پیش بود که صدا و سیما با کلی تبلیغ و سروصدا اعلام کرد بیشتر شبکه های HD را خواهد کرد. کیفیتی که سال هاست در اکثر کشورهای دنیا مورد استفاده قرار گرفته و تلویزیون ایران تازه موفق شد نییمی از شبکه های اصلی اش را به این تکنولوژی که دیگر دارد جای خودش را به کیفیت ۴K و حتی ۸K می دهد، تبدیل کند. از همان ابتدای این تغییر که در ۹۹/۹/۹ رخ داد، خیلی ها اعتراض کردند که عوض شدن سیستم کدک تصویر باعث شده تا سه شبکه ای که قبلاً هم به صورت HD قابل دریافت بود را دیگر روی دستگاه های گیرنده شان نگیرند و تازه وضعیت برای شان بدتر هم شده. اما هر چه بود تلویزیون ایران موفق شده بود دست کم در مراکز استان ها روی تلویزیون های جدید کیفیت دلپذیر HD را به مخاطبان عرضه کند.

مشکل کار اما این بود که صدا و سیما هنوز نتوانسته حتی تمام دوربین های مستقر در استودیوهای پایتخت را هم به چنین کیفیتی ارتقا دهد و به طور مثال شبکه دو، به عنوان اولین شبکه تلویزیونی ایران همچنان با کیفیت SD پخش می شود و دوربین های استودیوهای مستقر در خیابان الوند (اولین ایستگاه تلویزیونی ایران) همچنان قدیمی هستند و اصلاً توانایی تصویربرداری با کیفیت بالاتر را ندارند. این مشکل وقتی عمیق تر می شود که بدانی ام اوضاع در مراکز استان ها هم از همین قرار است و حالا با بالا رفتن کیفیت تصویر شبکه های سه و ورزش اوضاع برای پخش فوتبال باید بهتر هم شده است!

نمونه اش بازی روز گذشته در قلمشهر بین نساجی و پرسپولیس. دوربین های مرکز قلمشهر